

مثنوی‌های لیلی و مجنون

ازداستانهایی که بارها بسلك نظم دلکش پازسی کشیده شده داستان شیرین و پراز درد و حرمان لیلی و مجنون را می‌توان نام برد که نظامی گنجوی گوینده سحار و چیره دست سده ششم آن را در اشعاری لطیف و مضامینی دلپذیر و اسلوبی بدیع و زیبا منظوم ساخته است .

عشق پرسوز و گداز لیلی و مجنون دو دلدادۀ نامی عرب از روزگار کودکی در مکتب آغاز می‌شود و همچنان تا پایان زندگی پر شور و هیجان آن دو که بنا کلامی انجامید ادامه می‌یابد .

قیس بنی عامر که آوازه عشقی او به نام « مجنون » بر سر زبان‌ها می‌افتد در مکتب به دختری « لیلی » نام دل می‌بندد و رفته رفته نایره توانسوز و جانگناه این عشق زودرس در وجود او برافروخته می‌شود و در دل و جان شیدائی و طوفانی خروشان بر می‌انگیزد و تار و پود هستی او را به آتش می‌کشد تا بدانجا که پدر متعصب لیلی از شنیدن داستان عشق و دلدادگی این دونوجوان شوریده حال که در کوی و برزن غوغائی برپا کرده و زبانزد خاص و عام شده بودند سخت بر آشفتۀ و آزرده می‌شود و از آن پس دختر خود لیلی را از رفتن به مکتب بازمی‌دارد و او را در خانه خود نگاه می‌دارد تا مانع از دیدار و وصال آنان گردد .

ولی اشتیاق و شور لیلی و مجنون بدان حد صوری و مجازی نبود که این جدائی و فراق قهری و برخلاف میل باطنی آنان را نسبت به یکدیگر دلسرد و بی‌اعتنا سازد و نهال آرزوها و احلام شیرین آنان را از ریشه بسوزاند .

اثر این هجران جانکاه و حسرت‌بار چنان بود که این آتش عشق درونی رفته رفته گرم‌تر و سوزنده‌تر میشد و قیس عامری ، مجنون وارهه روزه از بام تا شام برای دیدن دلدار و شرح و بیان رازهای اندوه‌زای درون به درخانه محبوب خود لیلی می‌رفت و این شدت عشق و التهاب و سرگشتگی به آنجا انجامید که مردم کوی و بازار او را به نام « مجنون » لقب نهادند و شهرت او در این عشق و دلدادگی روز بروز دامنه اختلافات و نفاق را در میان قبیله‌های لیلی و مجنون افزون‌تر می‌ساخت .

پدر مجنون که یکی از سران قبیله بنی عامر بود برای آن که فرزند دل‌بند خود را از این عشق توانسوز و جان‌افروز رهایی بخشد و نیز برای کاهش اختلافات و رفع کدورت‌های بی‌فرجام که رسوائی‌ها و بدنامی‌هایی را به دنبال داشت بناچار نزد پدر لیلی رفت تا شاید بتواند دختر نمکین و سیاه چشم او را برای فرزند دل‌داده خویش خواستگاری کند و فرزند ملتهب و شوریده خود را با شهد وصال یاران از زمین خویش کامروا و خوشبخت سازد .

اما پدر لیلی به این بهانه که پسر توجوانی دیوانه و سبک مغز است و ثمره این وصلت مایه بدنامی خاندان ما خواهد شد خواهش او را نپذیرفت . پدر مجنون آزرده دل و پریشان‌احوال مأیوسانه از خانه پدر لیلی بازگشت و ماجرا را برای مجنون دل‌افکار که جز به عشق لیلی به چیز دیگری نمی‌اندیشید شرح داد و به او گفت ای فرزند دل‌بند این عشق و شوریدگی را فراموش کن و از میان دختران دل‌ربا و سیاه چشم قبیله خودمان زیبارویی را برگزین تا من او را برای تو خواستگاری کنم و بساط عروسی را به بهترین آیین برایت برپا سازم .

ولی مجنون که شیفته لیلی دختر طنان و وقتان عرب هم مکتبی خود بود و دل و جان در گرو عشق او داشت و مهر لیلی با وجود او عجین شده بود سخنان

مهر آمیز پدر دلسوز خود را نپذیرفت و یکبارہ خانہ و مکتب را رها کرد و آوارہ کوه و بیابان‌ها شد و با جانوران و وحوش صحرا هم‌راز و انباز گردید .

این داستان مهیج عشقی مفصل است و نظامی داستانسرای نامی آنرا به اسلوب مثنوی و به بحر هزج مسدس (مفعول مفاعیلن فاعولن) سروده و سخن را از ستایش خداوند جهان و نعت پیامبر گرامی و معراج نبوی (ص) آغاز کرده و سپس با بیانی شیوا و لطیف این داستان دلپذیر را با توجه به روایات قیس عامری که از منابع عرب اخذ شده به نظمی دلکش می‌آورد .

این مثنوی شورانگیز با این ابیات دلنشین آغاز می‌شود :

| | |
|--------------------------|-----------------------------|
| ای نام تو بهترین سر آغاز | بی‌نام تو نامه کی کنم باز ؟ |
| ای یاد تو مونس روانم | جز نام تو نیست بر زبانم |
| ای کارگشای هر چه هستند | نام تو کلید هر چه بستند |
| ای هست کن اساس هستی | کوته ز درت دراز دستی |
| ای هفت عروس نه عماری | در درگه تو پرده داری |

نظامی شاعر عالی‌قدر و گوینده توانا «مثنوی لیلی و مجنون» را به خواهش و به نام ابوالمظفر شروانشاه اخستان بن منوچهر که نسب او را به بهرام چوین می‌رساند منظوم ساخته و می‌گوید :

| | |
|------------------------|--------------------------|
| خاقان جهان ملک معظم | مطلق ملک الملوك عالم |
| تاج ملکان ابوالمظفر | زینده ملک هفت کشور |
| شروانشه آفتاب سایه | کیخسرو کیتباد پایه |
| شاه سخن اخستان که نامش | مهری است که مهر شد غلامش |
| بهرام نژاد و مشتری چهر | در صدف ملک منوچهر |

نظامی بانیر و گرفتن از قدرت تخیل خود همه جا با بیانی دلنشین و سحر آمیز ضمن افسانه‌سرایی از عشق و رزی دونوجوان بدوی بمکارم اخلاقی و صفات عالی انسانی نیز اشاره می‌کند و مضامین عاشقانه را با تشبیهاتی نو و مفاهیمی تازه و خیال‌انگیز برشته قلم در می‌آورد .

این مثنوی را نظامی به سال ۵۸۵ هجری به پایان آورده است و پس از وی نسخه‌های نفیس و مصوری از آن به‌ضمیمه سایر مثنوی‌های خمسه نظامی به خط خوش کاتبان و خوشنویسان حرفه‌ای کتابت شده که پاره‌ای از آن‌ها که در کمال هنرمندی و زیبایی نگارش یافته هنوز زینت بخش کتابخانه‌های مهم کشور جهان است .

یکی از بهترین نسخه‌های خطی و ممتاز خمسه نظامی نسخه نفیسی است که خوشنویس نامی قرن نهم سلطان محمد نور آن را ترتیب داده و به سال ۹۳۱ هجری به پایان آورده و شامل مینیاتورهای زیباست و با تذهیب و ترصیع دلگشی زیور یافته است :

یکی از این مینیاتورهای زیبا در این مجموعه تصویر لیلی و مجنون را در زمان کودکی در مکتب نشان می‌دهد و این بیت را هم بر فراز ایوان مکتب نگاشته :

با معلم گو مده تعلیم بیداد آن پری رو را

که جز خوی نکو لایق نباشد روی نیکورا

این خمسه در حال حاضر از نقایس آثار موزه متروپولیتن نیویورک به شمار می‌رود. دیگر از نسخه‌های زیبای خمسه نظامی خمسه‌ای است که به خط نظام‌الدین محمد نیشابوری نوشته شده و کمال الدین بهزاد (۸۵۰-۹۴۲ ق) هنرمند و چهره نگار و صورت‌آرای نامی برای آن مینیاتورهای زیبایی آفریده و آن را مصور ساخته است که اینک در موزه متروپولیتن نیویورک موجود است . کمال الدین بهزاد خمسه مصور نظامی دیگری نیز ترتیب داده که از آثار ممتاز موزه بریتانیا است .

یکی دیگر از شاهکارهای هنر نقاشی ایران در دوران تیموری چهاربرگ مصور به خط زیبای نستعلیق از خمسه نظامی است که در سال ۱۳۲۵ آن را از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان به موزه ایران باستان منتقل کرده‌اند و در سال ۱۳۳۵ شمسی در انستیتوی مطالعات خاوری ایتالیا در شهر رم آن را به معرض

نمایش ارباب هنر و دوق جهان قراردادند و پس از بازگردانیدن آن به ایران بار دیگر آن را در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در آمریکا (خرداد ۱۳۴۳ الی خرداد ۱۳۴۵) به معرض نمایش قراردادند - در یکی از این تصویرهای زیبا لیلی و مجنوی را در مکتب کنار یکدیگر نشان می‌دهد .

هنرمندان و نقاشان و خطاطان و شاعران بسیاری طی قرن‌ها ، خاصه پس از ظهور تیمور و پیدایش مکتب هنری وادی هرات با آفرینش‌های هنری خود در زمینه تکمیل و تدوین نسخه‌های نفیس و زیبایی از خمسه نظامی و خمسه‌های دیگری که به اقتضای این اثر جاویدانی فراهم شده اهتمام ورزیدند که می‌توان نمونه‌های زیبایی از آن آثار دل‌انگیز را که اغلب مذهب و مصورم هست در کتابخانه‌های عمومی و شخصی و موزه‌های مهم ایران و هندوستان و کشورهای اروپا و آمریکا سراغ کرد مسلماً با این پژوهش‌های هنری می‌توان به گوشه‌ای عظیم از نمونه‌های آثار شکفت‌آور و بدیع میراث جاویدانی و پرارزش فرهنگ ایران این مرز و بوم باستانی هنر آفرین و پرافتخار دست یافت .

همین طو در زیان و اسلوب خاص و مؤثر لیلی و مجنون پس از نظامی گنجوی بسیاری از سخنوران و مشتاقان افسانه‌های دل‌انگیز را تحت تأثیر عمیق قرارداد و گویندگان چیره دست و نامداری چون امیر خسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵ هـ) ، عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸ هـ) ، هاتفی جامی خرجردی (متوفی ۹۲۷ هـ) ، مولانا مجنون چپ‌نویس از خوشنویسان و کاتبان دارالسلطنه هرات ، مشرف اصفهانی ، هلالی جغتائی ، ضمیری اصفهانی (متوفی ۹۷۳ هـ) ، قاسمی گنابادی ، نامی اصفهانی ، سهیلی جغتائی (متوفی ۹۷۰ هـ) و مکتبی شیرازی شاعر قرن نهم را می‌توان نام برد که بسنت تطیره - گوئی و به شیوه نظامی این مثنوی را پیروی کرده‌اند و آثاری دلکش به گنجینه جاویدانی ادب پارسی افزوده‌اند .

این داستان دل‌انگیز بارها به نثر شیوای فارسی نیز نوشته شده که از آن میان به کتاب « معراج‌العشاق » تألیف عبرتی عظیم آبادی اشاره می‌شود که روایتی است به نثر از لیلی و مجنون هاتفی .

امیر خسرو دهلوی یکی از شعرای پر قدرت و خوش قریحه قرن هشتم است که داستان لیلی و مجنون را با شاره عارف‌نامی زمان و مراد خود شیخ نظام الدین اولیا به شیوه نظامی در مثنوی‌های خمسه خویش منظوم ساخته ولی مضامین سخن لطیف او در این داستان هرگز به اوج بیان و اندیشه‌های آسمانی نظامی نمی‌رسد و در جزئیات داستان هم مثنوی او با مثنوی نظامی - اختلافاً و دگرگونی‌هایی نیز دارد ولی در هر حال این مثنوی را می‌توان نموداری از درخشانترین آثار نظم شیرین فارسی بشمار آورد که از میان نسخه‌های خطی و چاپی آن بطبع روسیه اشاره می‌شود که به رؤیت نویسنده این مقاله نیز رسیده است .

نودالدین عبدالرحمن جامی شاعر ذوق‌توان و متصوف ایران نیز داستان لیلی و مجنون را با بیانی دل‌انگیز و بدون پیرایه و ابهامات سخن نظامی برشته نظم در آورده و در آن اشعار منسوب به قیس عامری را به شیوه‌ای بدیع و مطبوع به ترجمه فارسی در آورده است و در ضمن آن اشاره به دو مثنوی لیلی و مجنون نظامی و امیر خسرو دهلوی کرده و چنین گفته است :

هر چند که پیش از آن دو استاد در ملک سخن بلند بنیاد
از گنجه چو گنج این گهر ریز و ز هند چو طوطی آن شکر ریز
من نیز بفاقه ناقه راندم خود را به غبارشان رساندم

ابیات لیلی و مجنون جامی حاوی سه هزار و هشتصد و شست بیت می -
شود که نظم آن در مدت چهار ماه به سال ۸۸۹ هجری به پایان رسیده است .

چنانکه جامی در این باره می‌گوید :

کوتاهی این بلند بنیاد در هشتصد و نه قتاد و هشتاد
گر تو بشمار او بری دست باشد سه هزار و هشتصد و شست
در طول چهار مه کم و بیش شد عرض ز طبع فکرت اندیش
مکتبی شیرازی هم چنانکه گفتیم این مثنوی شیرین و پر حال را پیروی
کرده و آن را در کمال استادی منظوم ساخته است .

تعداد ابیات مثنوی لیلی و مجنون مکتبی چنانکه خود او در پایان اشعار خویش ضمن ماده تاریخی که حاوی سال ۱۸۹۵ هـ است اشاره کرده دو هزار و یکصد و شصت بیت است :

چون «مکتبی» این کتاب بگشود

تاریخ « کتاب مکتبی » بود

ابیات که در حساب پیوست

آمد دو هزار و یکصد و شصت

این گنج گهر که شد هویدا

از خطه پارس گشت پیدا

مکتبی شیرازی نیز با آوردن استعارات و مضامین دلنشین و بدیع که حاوی اندیشه‌های بلند و ابکار افکار شاعرانه است سخن خود را جلوه و رونق بخشیده است .

شرح زندگی این شاعر با ذوق و نازک خیال هنوز آنطوری که باید و شاید دقیقاً روشن نشده و چنانکه از پاره‌ای تذکره‌ها برمی‌آید مکتبی مدتی در هندوستان به سر برده و بنا به عقیده برخی از تذکره‌نویسان وی نیز در شهر شیراز که موطن اوست مکتب‌دار بوده و به همین سبب به « مکتبی » متخلص گردیده است .

اینک ابیاتی از داستان لیلی و مجنون مکتبی ذیلاً آورده می‌شود :

| | |
|-----------------------|-----------------------|
| شاهنشاه انبیا محمد | ماه افسر و آفتاب مسند |
| چون کرد باخترش نظاره | شد چشم حکیم پرستاره |
| عنوان صحیفه الهی | سرفصل سپیدی و سیاهی |
| روزی که زدانش و فنونش | سندوق کتب شود درونش |
| عشق از دلش آتشی فرورد | کانجمله کتابها بسوزد |

که از آغاز این داستان شورانگیز نقل شده .

اصل داستان عاشقانه لیلی و مجنون مربوط به سرگذشت قیس عامری و لیلی بنت سعد است که از دلدادگان نامی دوره جاهلیت بوده‌اند و پاره‌ای این داستان نیمه افسانه‌ای عربی را مربوط به سده اول هجری می‌دانند و گفته‌اند اشعار عاشقانه قیس در میان مردم زمان اوشهرتی بسزا داشته است. بعدها این قتیبه دینوری و ابوالفرج اصفهانی در کتابهای «الشعر و الشعرا» و «آغانی» این داستان را با توجه به روایات مشهوره مفصلاً ذکر کرده‌اند و نیز نوشته‌اند که لیلی و مجنون با هارون‌الرشید خلیفه عباسی معاصر بوده است.

از سده چهارم به بعد شعرای ایران در اشعار خویش اشاراتی به آن داستان دل‌انگیز و پراحساس نموده‌اند. چنانکه رابعه قزداري بلخی نخستین شاعره ایران (در سده چهارم و معاصر سامانیان و رودکی) که دختر کعب قزداري از امیران عرب است در قطعه‌ای از مجنون و لیلی چنین نام می‌برد:

مگر چشم مجنون بایر اندر است
که گل رنگ رخسار لیلی گرفت

منوچهری شاعر طبیعت و از سخنوران به نام سده چهارم هجری نیز از مجنون و لیلی در آثار خود نام برده و می‌گوید:

بنالد مرغ باخوشی ، بیالده مور باکشی
بگوید ابر با ممنی بخندد برق بی‌معنی
یکی چون عاشق بیدل ، دوم چون جعد معشوقه

سیم چون مژه مجنون ، چهارم چون لب لیلی
که نشان می‌دهد گویندگان عرب و ادبیات غنی عرب تأثیر و نفوذی شایان در تصاویر خیال شعرای هنرآفرین ایران دانسته‌اند ، چنانکه منوچهری دامغانی در سلاست بیان و مضامین اشعار خود با بکار بردن واژه‌های تازی و ترکیبات و تعبیرات تازه به شعرای عرب توجه داشته است و مسلماً نظامی هم که در سده ششم می‌زیسته نیز در سرودن مثنوی لیلی و مجنون خود یکی از مآخذ این داستان مشهور عربی توجه داشته و در آفرینش این مثنوی بدیع و دلکش بامداد قریحه تابناک و قدرت خلاقه طبع توانای

آسمانی خود در داستان‌رایی مضامینی نو و توصیفاتی جالب و تعبیرات و استعداتی بدیع و تشبیهاتی تازه و ترکیباتی نو و دل انگیز در آن آورده و تصرفاتی هم در اصل داستان کرده است و به آن روح و جلوه ایرانی داده تا جایی که چه بسا تصور می‌رود که این داستان کهن جزو ادبیات پر شور و جاودانی اصیل ایرانی است .

هر چند در آثار عرب نیز اشعاری به‌مجنون نسبت داده شده و شعرائی مانند «جاحظ» نیز به آن موارد اشاراتی کرده‌اند .

لیلی و مجنون نظامی به زبانهای زنده جهان نیز ترجمه شده است که از آن جمله می‌توان ترجمه انگلیسی اتکینسون **Atkinson** خاور شناس انگلیسی (چاپ سال ۱۸۳۱ میلادی در لندن) و ترجمه منظوم آندره گلوبا (چاپ سال ۱۹۳۵ م در لنین‌گراد) و ترجمه منظوم ترکی «لیلی و مجنون» احمد ورغون (چاپ سال ۱۹۴۱ م روسیه) ترجمه منظوم روسی برتلس و گرسلف (چاپ سال ۱۹۴۶ م روسیه) و هلموت ریتز **Hellmut Ritter** خاورشناس آلمانی (چاپ سال ۱۹۲۷ م برلن) را نام برد .

آقای علی اصغر حکمت استاد ارجمند نیز مقایسه‌ای محققانه بین داستان لیلی و مجنون و داستان رومئو و ژولیت شکسپیر کرده‌اند که بحث آن جالب و خواندنی است .

در پایان این مقال لازم به یاد آوری است که شادروان استاد حسن وحید دستگردی مؤسس مجله وزین «ارمنان» نیز برای شناساندن مقام ادبی نظامی شاعر گرانمایه قرن ششم و انتشار آثار وی تحقیقات جامعی کرده و حق بزرگی به گردن فرهنگ دوستان و محققان و ارباب فضیلت دارد که در اینجا شایسته است من باب حقشناسی ذکر جمیلی هم از آن محقق ارجمند و شاعر گرامی به میان آید .

پرفسور ژان ریپکا نیز از جمله خاورشناسانی است که در جشن هزاره فردوسی به ایران آمده و تحقیقات ممتعی درباره نظامی و آثار وی کرده و مثنوی هفت‌پیکر نظامی را به سال ۱۹۳۴ م به طبع رسانیده است .